KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 154**

**حکایت (از چهار مقاله)**

چنین آورده اند که نصر بن احمد که واسطۀ عقد آل سامان بود و اوج دولت آن خاندان ایام ملک او بود و اسباب تمتع و علل ترفّع در غایت ساختگی بود خزائن آراسته و لشکر جرّار و بندگان فرمانبردار، زمستان بدار الملک بخارا مقام کردی و تابستان بسمرقند رفتی یا بشهری از شهرهای خراسان. مگر یکسال نوبت هری بود، بفصل بهار ببادغیس بود که بادغیس خرم ترین چرا خوارهای خراسان و عراق است. قریب هزار ناو است. بر آب و علف که هر یکی لشکری را تمام باشد. چون ستوران بهار نیکو بخوردند و بتن و توش خویش باز رسیدند و شایستۀ میدان و حرب شدند نصر بن احمد روی بهری نهاد و بدر شهر بمرغ سپید فرود آمد و لشکرگاه بزد و بهارگاه بود و شمال روان شد و میوه های مالن و کروخ در رسید که امثال آن در بسیار جایها بدست نشود و اگر شود بدان ارزانی نباشد. آنجا لشکر بر آسود و هوا خوش بود و باد سرد و نان فراخ و میوه ها بسیار مشمومات فراوان و لشکری از بهار و تابستان بر خورداری تمام یافتند از عمر خویش و چون مهرگان در آمد و عصیر در رسید و شاه سفرم و حماحم و آقحوان در دم شد انصاف از نعیم جوانی بستدند و داد از عنفوان شباب بدادند.